بسم الله الرحمن الرحيم

با سرودخوان جنگ
در خطّه‌ی نام و ننگ

نادر ابراهیمی

به نام خدا

با سرودخوانان جنگ،

در خطه‌ی نام و ننگ

بخشی از یادداشتهای سفر به جبهه‌ی جنوب

افراد گروه: علی کلیج از سپاه پاسداران

ابراهیم حاتمی کیا

کمال تبریزی از صدا و سیما

نادر ابراهیمی نویسنده و محقق آزاد

هدف: پژوهشی مقدماتی جهت تهیه‌ی گزارشی بزرگ

منطقه: سراسر خطه‌ی جنوب

تاریخ: فروردین ۱۳۶۵

پیشکش‌نامه

ایـن، بـه اعتقـاد خالـص و صادقانـه‌ی مـن، عظیم‌ترین، مؤمنانه‌تریـن، دلاورانه‌تریـن، ایرانی‌تریـن، و نیـز سـالم‌ترین جنگی‌سـت که ملّت ما از آغـاز تاریخ خود تاکنون داشـته است؛ «از آغاز تاریخ» یعنی از زمانی که ملّتی یا سرزمینی به نام ایـران یا نامی نزدیک به آن و یا حتی اقوامی به نام پارس و ماد در این سـرزمین زیسته‌اند؛ و تا آنجا که می‌توان خاطره‌ی محـوی از آن را در اسـناد و مـدارک تاریخـی یافـت از زمان دولت ایلام و هجوم آریاهای سرمازده به این خاک...

مـا، از نبردهـای اسـطوره‌یی و افسـانه‌یی کـه بگذریم، بدون شـک، سـه نوع جنگ داشـته‌ییم و نه بیشتر: نخست جنگ‌هـای تجاوزکارانه ـ سـتمگرانه یـا امپریالیسـتی که به اراده‌ی شـاهان و شـاهزادگان بوده، کمتریـن ارزش و اعتبار

انسانی نداشته و توده‌ی مردم، عقلاً و منطقاً، خواهان و دوستدار چنین جنگ‌هایی نبوده‌اند.

دوّم، جنگ‌های داخلی که شاهک‌ها، امیرک‌ها، راهزنانِ صاحبْ‌قشون و زمینْ‌داران بزرگ با یکدیگر داشته‌اند و در جملگی آن‌ها خون هموطنان رنجدیده‌ی ما بر خاک می‌ریخته است ــ به‌خاطر حرص و بیشترخواهی حکّام محلّی و فرمانروایان.

سوّم، جنگ‌های تدافعی در مقابل مهاجمان و تجاوزکاران، که متأسفانه غالباً با شکست و سرافکندگی همراه بوده و با تجزیه‌ی ایران و تکّه‌پاره‌شدن وطن تاریخی ما قرین، که اگر به پیروزی هم می‌رسیده، باز، از اساس، جنگ حکومت‌ها با حکومت‌ها بوده نه جنگِ ایمان و اراده و انتخاب...

درحقیقت اگر از چند جنگ دریایی و دلاورانه‌ی میرمَهْنای دُغابی و همرزمانش با اجانب، چند نبرد جانبازانه و غمناکِ عبّاس‌میرزای غیرتمند و نهایتاً از نخستین جنگ‌های رهایی‌بخش آقامحمّدخان قاجار ــ که گفته بود «من از سرزمین اُروُس چیزی نمی‌خواهم،

فقط ایران را می‌خواهم» ــ بگذریم، جنگ کنونی، نخستین جنگ آزادیخواهانه، داوطلبانه، و معنوی ملّت ما در تمام تاریخ حیات این ملّت است و شکل تازه‌یی از جنگ‌های استقلال و اعتقادْ در سراسر جهان.

این جنگ، قبل از هر چیز، یک نکته‌ی بسیار بُنیادی ازیادرفته را به یاد همه‌ی ما آورد، و آن اینکه ما ملّتی ترسو، بُزدل، توسری‌خور، تریاکی، تسلیم و بی‌حمیّت نیستیم، و سپس این نکته را، که ایمان، انگیزه و اسلحه‌ی عظیم و خطیری‌ست برای تهی‌دستانه و غیرتمندانه جنگیدن و پیروزشدن...

من، به‌خاطر غرور و افتخاری که از این رزم بزرگْ احساس می‌کنم، این کتاب بسیار کوچک را به رزمندگان دلاور میهن مقدّسم، به مؤمن‌ترین مردان جهانِ امروز ــ بچّه‌های سپاه پاسداران ــ به‌خصوص کلیج و حاتمی‌کیا، دو تن از همسفران خوبم در جبهه‌های جنوبْ پیشکش می‌کنم.

ن.ا.